



حمایت از تولید در دوران جنگ

طی دو سال گذشته صنعت نساجی و پوشاک با بحران رکود روبرو بوده است. این رکود ناشی از کاهش شدید قدرت خرید مردم و کاهش ملموس خرید ایشان در حوزه پوشاک و منسوجات بوده و تبعات آن به مرور طی این مدت، در تمام عناصر زنجیره ارزش این صنعت تاثیر گذاری خود را نشان داده است.

در مقایسه با سال‌های قبل‌تر که بحران کرونا، تمام صنایع را تحت تاثیر قرار داد، رکود فعلی بسیار بیشتر و موثرتر کسب و کارهای صنعت نساجی را تحت الشعاع قرار داده چرا که اگر در دوره بحران کرونا، این صنعت با یک حالت متعادل وارد بحران شد، هم اکنون صنعت نساجی در یک حالت بحرانی ناشی از رکود وارد بحران دیگری ناشی از تبعات جنگ تحمیلی گردید.

توصیف این شرایط اگرچه برای فعالان این صنعت ملموس است و به نوعی با تمام وجود خود آن را لمس کرده‌اند اما این مهم برای ارکان و ارگان‌های دولتی که در حوزه‌های کسب و کار فعالیت می‌کنند گویا همچنان حس نشده و شاید خود را به بی خبری می‌زنند.

در تمام اقتصادهای دنیا از چپ و راست، شرایط بحرانی و به خصوص جنگی، تعاریف خاص خود را دارد و سازمان‌های درگیر کسب و کار اعم از بیمه، مالیات، ارگان‌های صنفی، تعزیراتی و تلاش می‌کنند خود را با شرایط جدید وفق دهند به خصوص سازمان‌هایی مانند بیمه که ذات وجودی ایشان برای مواقع بحران تعریف شده، اتفاقاً می‌بایست در شرایط خاص، نقش حمایتی خود را ایفا نمایند اما متأسفانه شاهدیم بلافاصله بعد از اعلام آتش‌بس شکننده جنگ تحمیلی، سازمان‌های مورد اشاره به خصوص بیمه، ضمن اعمال جرایم بیمه‌ای سهم کارفرما، ضمن تماس با مدیران کسب و کارها، در صف اول طلبکاران ایستاده‌اند!

در واقع تمامی صنایع و کسب و کارها به خصوص صنعت نساجی و پوشاک که در بحران قرار داشته و وارد بحران بزرگ‌تری شده و به مدت حدود یک‌ماه توانایی انجام امور روزمره خود را به نحو مطلوب نداشته‌اند و اتفاقاً در همین ایام، بیشتر نهادها و سازمان‌های دولتی نیز تعطیل بوده و برخی از مهم‌ترین بانک‌های کشور نیز با اختلال جدی مواجه بوده‌اند، برخورد سازمان‌های و نهادهای مورد اشاره به گونه‌ای است که گویی طی این مدت در ایران زندگی نکرده‌اند و مطالبه و جرایم بی‌مورد آنها، به شدت کسب و کارهای کشور به خصوص حوزه منسوجات و پوشاک را تحت فشار مضاعف قرار داده است.

جالب است که مأموریت ذاتی سازمانی مانند بیمه تأمین اجتماعی که بر اساس جبران انواع خسارات اعم از تصادف، بیماری، از کارافتادگی، شرایط اضطرار و تعریف شده، اصولاً حمایت در شرایط دشوار است و اینکه اتفاقاً بعد از شرایط اضطرار این سازمان در صف اول مطالبه‌گران قرار می‌گیرد هم مایه تعجب است و هم موجب تأسف.

جا دارد در این شرایط، نهادهای بالادستی دولتی ورود کرده و عملکرد این سازمان‌ها را مورد پایش قرار دهند و تبعاً وظایف سازمان‌های بیمه‌گر که می‌بایست جبران خسارت در زمان‌های اضطراری را بنمایند ضمن آمادگی در مواقع بحرانی که به نوعی پدافند غیرعامل نیز محسوب می‌شود، مزاحمتی برای کارآفرینان، مدیران و صاحبان کسب و کار به وجود نیاورند.

سردبیر